

جایگاه هویت فردی دانشجویان و طلاب علوم دینی در مسیر نیل به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

یعقوب آقایی نوروزلو^۱

چکیده:

هدف: این پژوهش در راستای تبیین جایگاه هویت فردی دانشجویان و طلاب علوم دینی در مسیر نیل به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در افق تبیین شده مقام معظم رهبری می‌کوشد، اولاً به بررسی هویت فردی در بین جوانان (دانشجویان و طلاب) و مؤلفه‌های هویتی نظیر هویت ملی، مذهبی، گروهی، خانوادگی و فردی بپردازد و ثانیاً به تبیین معنا و مفهوم الگوی اسلامی ایرانی پرداخته و نهایتاً جایگاه آن‌ها را در این الگوی تعیین شده مشخص نماید.

روش پژوهش: این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی (تحلیل محتوا) و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مقالات و سایت‌های معتبر انجام شده است.

نتیجه‌گیری: هویت انسانی، مقوله‌ای اجتماعی است یعنی این که فرد نقش‌ها و وظایف اجتماعی خود را بشناسد و متقابلاً انتظارات جامعه از خود را بداند. در این مطالعه سه راهبرد کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت جهت تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت همراه با اسلامی سازی علوم انسانی پیشنهاد شده که این سه راهبرد در طول هم هستند و نتیجه هر راهبرد یک الگوی پیشرفت است. دانشجویان و طلاب علوم دینی بعنوان مغز متفکر و موتور حرکت این الگوها محسوب می‌شوند یعنی در مراحل سه گانه برنامه ریزی‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت این الگو دارای جایگاه خاصی هستند که این امر ضرورت توجه بیشتر به علوم انسانی و تحقیقات بیشتر در این زمینه و تعیین الگوهای هویتی مناسب و متناسب با جامعه امروزی برای جوانان را می‌طلبد تا با بینشی عمیق در مسیر تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت قدم بگذارند.

کلمات کلیدی: هویت، دانشجویان و طلاب، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، علوم انسانی

مقدمه و بیان مسأله

موضوع هویت فردی و مؤلفه‌های آن در فرهنگ اجتماعی، هیچگاه به گستردگی امروز محل بحث و مناقشه نبوده و این از آن روست که شاید صاحب‌نظران و متفکران این حوزه هرگز اهمیت تفاوت را

^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم باغبانی - اصلاح و فیزیولوژی گیاهان دارویی، دانشگاه تهران



چنین ملموس و گسترده، به صورت تمایز یافته تجربه نکرده بودند. در واقع در جامعه امروزین و با گسترش ارتباطات محلی، ملی و بین‌المللی، حوزه مطالعه جدیدی در باب هویت و مؤلفه‌های آن باز شده است. از این‌رو یکی از ابعاد مورد مطالعه زندگی انسان معاصر هویت اوست که عوامل گوناگونی در حوزه‌ی زندگی اجتماعی مانند خانواده، دوستان، مذهب، ملیت، نوع سرمایه‌های فردی همچون سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره در فرآیند شکل‌گیری و از عوامل مرتبط با این سازه عنوان می‌شوند. به بیان کلی‌تر می‌توان گفت که فرهنگ و عناصر مرتبط با آن، از مهم‌ترین منابع هویت به‌شمار می‌روند. با وجود این، انسان معاصر در هر محیط اجتماعی که زندگی کند، سعی دارد تا موقعیتی برای خود دست و پا کند و یک هویت متمایز برای خود داشته باشد. در اکثر جوامع سنتی، یکسری عوامل خاص مانند مذهب، خانواده، ملیت، نژاد و قومیت (ویژگی‌های انتسابی) از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر هویت افراد محسوب می‌شوند اما جوامعی که مدرنیته یا فرآیندهای مربوط به مدرنیته را تجربه کرده‌اند، عواملی که بیشتر دستاورد خودشان باشد، هویت آنان را می‌سازند (ابراهیمی و بهنویی، ۱۳۸۷). به نظر می‌رسد با تغییر و تحولاتی که در چند دهه اخیر در ذائقه و منش انسان امروزی در عرصه فرهنگی بوجود آمده، همین امر سبب ورود خیل زیاد کالاهای فرهنگی از قبیل کتاب، فیلم، موسیقی، مطبوعات و غیره در تیراژها و عنوان‌های مختلف، در بازارهای مصرفی شده است. از جمله مخاطبان و متقاضیان اصلی این کالاها و بازارهای مصرفی جوانان می‌باشند. از این‌رو است که صاحب‌نظران بر این باورند در دنیای امروزین کالاهای فرهنگی و مصرفی هستند که به اقشار مختلف از جمله جوانان هویت می‌بخشند. (ذکایی، ۱۳۸۶). با این فرض، جامعه ایرانی نیز در دهه‌های اخیر با فرآیندهای مربوط به مدرنیته یا تجدد مواجه بوده است. تجدد همه حوزه‌ها را تحت تأثیر قرار داده و یکسری ارزش‌های جدید را در جامعه از قبیل علم‌آموزی، کتاب خواندن، تخصص داشتن، بازدید از مکان‌های تفریحی و تاریخی، انجام فعالیت‌های هنری، رفتن به مراکز هنری و غیره رواج داده است. این ارزش‌ها که از آن به ارزش‌های مدرن تعبیر می‌شود، موجب تکثر ارزش و تمایز گذاری افراد بر حسب ملاک‌های امروزین از قبیل سرمایه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی افراد شده که حتی در برخی از زمینه‌ها، با ملاک‌های جامعه ایرانی اسلامی در تعارض قرار دارند. از این‌رو جامعه کنونی ما نیازمند تغییر ملاک‌های تمایزساز و هویت‌بخش در بین افراد جامعه به ویژه جوانان (دانشجویان و طلاب)، برنامه ریزی جهت فرهنگ‌سازی در جامعه، بررسی و تحقیق در رابطه با الگوهای هویتی مختلف و نهایتاً تهیه و تدوین یک الگوی مناسب و سازگار با جامعه ایرانی اسلامی می‌باشد. تحقیق حاضر در جستجوی آن است که به بررسی هویت و مؤلفه‌های مختلف هویتی در بین دانشجویان و طلاب پردازد. به عبارت دیگر پژوهش حاضر می‌کوشد، اولاً به بررسی هویت فردی در بین جوانان



(دانشجویان و طلاب) و مؤلفه‌های هویتی نظیر هویت ملی، مذهبی، گروهی، خانوادگی و فردی پردازد و ثانیاً به تبیین معنا و مفهوم الگوی ایرانی اسلامی پرداخته و نهایتاً جایگاه آن‌ها را در این الگوی تعیین شده مشخص نماید.

معنای لغوی هویت

در فرهنگ معین آمده است: هویت یعنی آنچه که موجب شناسایی شخص باشد. در فرهنگ عمید هویت یعنی حقیقتی است یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد. و در فرهنگ دهخدا نیز هویت را عبارت از تشخیص دانسته، می‌گویند همین معنی میان حکیمان و متکلمان مشهور است.

مبانی نظری هویت

هویت از پیچیده‌ترین مفاهیمی است که تعریف ساده و دقیق آن میسر نیست (جی‌دان، ۱۳۸۵؛ ۲۸). این واژه دو معنی اصلی تفاوت و تشابه را می‌رساند، تشابهات، یعنی این که مردم مانند ما هستند و تفاوت‌ها، یعنی اینکه دیگران مانند ما نیستند (وود وارد، ۲۰۰۰). لذا در یک دسته بندی کلی، هویت را می‌توان به دو بعد هویت جمعی و هویت فردی تقسیم کرد. وقتی افراد بر شباهت‌های درون گروهی و تفاوت‌های بین گروهی تاکید دارند بحث هویت جمعی مطرح می‌شود. شناسه این نوع هویت قلمرویی از حیات اجتماعی است که فرد با ضمیر "ما" خود را متعلق بدان دانسته و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند (عبداللهی، ۱۳۷۴؛ ۶۳). همچنین هنگامی که شخص بر تفاوت‌های فردی متمایز از دیگر اشخاص درون گروه تاکید دارد هویت فردی مطرح می‌شود و معطوف به باز شناسی مرز بین خود و دیگری است بعلاوه توانایی فرد در بکار بردن ضمیر خود "من" نشان می‌دهد و معرف هویت و استقلال شخصی فرد است (عبداللهی، حسین‌بر، ۱۳۸۱؛ ۱۰۷).

اریکسون روان شناس معروف قرن حاضر که نام او با هویت پیوندی عمیق دارد می‌نویسد: «هویتی که نوجوان درصدد است تا به طور روشن با آن مواجه شود این است که او کیست؟ نقشی که باید در جامعه ایفا کند چیست؟ آیا او یک کودک است یا بزرگسال؟ آیا او توانایی آن را دارد که روزی به عنوان یک همسر یا پدر یا مادر باشد؟ آیا او علی‌رغم نژاد، مذهب یا زمینه‌های ملی که او را از نظر مردم کم ارزش جلوه می‌دهد، احساس اعتماد به نفس دارد؟

برخی از مولفه‌های مهم هویت عبارت‌اند از: هویت مذهبی یا دینی، هویت ملی، هویت خانوادگی، هویت گروهی، هویت شخصی، هویت فرهنگی، هویت تمدنی، هویت اجتماعی، هویت مجازی، هویت ملی و هویت ایرانی



مفهوم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

این مفهوم با تبیین مفاهیمی چون مفهوم پیشرفت، مفهوم الگو، اسلام، وجه اسلامیت الگو و وجه ایرانییت آن به خوبی روشن می‌شود.

پیشرفت

در تعریفی عام عبارت است از فرآیند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب. این تعریف در همه مکتب‌ها با بینش‌ها و ارزش‌های متفاوت صحیح است و اختلاف مکاتب در چگونگی تحلیل وضعیت موجود یا تبیین وضعیت مطلوب یا راهبردهای تغییر ظاهر می‌شود.

الگو

به مجموعه نظام مندی از مفاهیم، اصول موضوعه و قوانین اطلاق می‌شود که در یک ساختار منطقی برای توضیح و تفسیر یک سیستم از موجودات تکوینی، پدیده‌ها، روش‌ها، فرآیندها، تئوری‌ها و نظریات ارائه می‌گردد.

در یک تقسیم بندی کلی الگوها به دو دسته توصیفی و هنجاری تقسیم می‌شوند. الگوهای توصیفی به توصیف یک امر موجود می‌پردازند و الگوهای هنجاری آنچه که باید انجام شود را توضیح می‌دهند (میرمعزی، ۱۳۸۹).

برداشت غلط از توسعه و پیشرفت

کسانی که معتقدند توسعه فقط یک مصداق و یک نوع و نمونه دارد و آن همان تحوّل است که در دنیای غرب روی داده است، در حقیقت معتقدند که پیشرفت در تاریخ بشر تنها یک راه درست و یک صراط مستقیم داشته و دارد و آن راهی است که غربیان از رنسانس تا به امروز طی کرده‌اند و جز آن هر چه هست پیشرفت و توسعه محسوب نمی‌شود. این همان اعتقادی است که بسیاری از غربیان، به‌ویژه پوزیتیویست‌ها، دارند و می‌گویند راه درست پیشرفت و یگانه راه پیشرفت، همان راهی است که تمدن غرب طی کرده و جز آن هر چه هست یا بیراهه و کژراهه است و یا عقب‌ماندگی در همین راه و مسیر که تمدن غرب طی کرده است. شکی نیست که چنین فرضی نیاز به اثبات دارد. مادام که ثابت نشود راهی که غرب پیموده سرنوشت، سرنوشت محتوم همه ملت‌ها و جوامع و تنها راه و بهترین راه تحوّل و پیشرفت است، نمی‌توان و نباید توسعه غربی را الگو قرار داد. اگر چنین کنیم کاری تقلیدی کرده‌ایم نه تحقیقی (حدادعادل، ۱۳۸۹).

اسلام

تعاریفی که در خصوص اسلام ارائه شده عمدتاً تعاریفی است که متکلمان مسلمان از اسلام ارائه داده‌اند. یک متکلم اساساً از یک نگاه درونی به موضوع خویش نظر می‌کند و برخلاف رویکردهای برون دینی که عموماً به دین محقق نظر دارند به دین حق متوجه و متمایل است. از این رو تعریف الهیاتی از دین اصولاً بیش از یک مصداق ندارد و یا حداکثر ادیان هم جوهر و هم ریشه را دربر می‌گیرد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۸؛ ۱۲۴). از جمله تعاریف و دسته‌بندی‌هایی که از سوی اندیشمندان مسلمان ارائه شده است، می‌توان به دیدگاه ابوحامد غزالی، محمدباقر صدر، مرتضی مطهری و مصباح یزدی اشاره کرد. غزالی دسته‌بندی خود را در کتاب «کیمیای سعادت» و «احیاء علوم الدین» ارائه کرده است. وی می‌گوید عنوان مسلمانی معرف ۴ چیز است: (۱) حقیقت خود را بشناسد، (۲) خدای تعالی را بشناسد، (۳) حقیقت دنیا را بشناسد، (۴) حقیقت آخرت را بشناسد و نیز ارکان معاملات مسلمانی چهار است؛ دو به ظاهر تعلق دارد و دو به باطن؛ آن دو که به ظاهر تعلق دارد: رکن اول گزاردن فرمان حق است که آن را عبادت گویند. رکن دوم نگاه داشتن ادب اندر حرکات و سکنت و معیشت که آن را معاملات گویند، و آن دو که به باطن تعلق دارد یکی پاک کردن دل است از اخلاق ناپسندیده چون خشم و بخل و ریا که این اخلاق را مهلکات و عقبات راه دین گویند. و دیگر رکن، آراستن دل است به اخلاق پسندیده چون صبر و شکر و محبت و ... که آن را منجیات گویند، (آرام، ۱۳۱۹، ج ۱؛ ۴). تقسیم بندی دیگر در کتاب «اهداف تربیت از دیدگاه اسلام» ارائه شده است. این تقسیم بندی مطابق روش محمدباقر صدر در کتاب «الفتاوی الواضحه» است. در این تقسیم بندی انسان محور قرار گرفته است و بر حسب این که طرف رابطه انسان خدا، خود، دیگران یا طبیعت است، به ۴ دسته اصلی تقسیم شده است: رابطه با خدا، رابطه با خود (ابعاد شناختی، ارادی و گرایشی)، رابطه با دیگری (ارتباطات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) و رابطه با طبیعت (آذربایجانی، ۱۳۸۷؛ ۶۰). مطهری طبقه بندی مشهوری از تعالیم اسلامی را که بسیاری از دانشمندان اسلامی مورد استفاده قرار داده‌اند، می‌پذیرد «مجموعه تعالیم اسلامی از یک لحاظ سه بخش را تشکیل می‌دهد: اصول عقاید، اخلاقیات و احکام» (آذربایجانی، ۱۳۸۷؛ ۶۰). مصباح یزدی نیز با محور قرار دادن «الله» در دسته بندی معارف اسلامی، طرح دیگری را ارائه می‌کند. در این تقسیم بندی طولی معارف اسلام به مثابه یک چشمه جاری در نظر گرفته می‌شود که از مرحله ای می‌گذرد و وارد مرحله دیگر می‌شود. بر این اساس وی معارف را به ترتیب ذیل تقسیم می‌کند: خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، راه‌شناسی، راهنماشناسی، قرآن‌شناسی، اخلاق یا انسان‌سازی قرآن، برنامه‌های عبادی، احکام فردی و احکام اجتماعی (مصباح، ۱۳۶۷؛ ۱۷-۲۰)

مقصود از «اسلامی بودن» الگوی توسعه و مقصود از «ایرانی بودن» آن چیست؟

پاسخ اجمالی ما به این سؤال این است که در «اسلامی بودن» علی‌الأصول نظر به «آرمان‌ها» داریم و در «ایرانی بودن» عمدتاً نظر به «واقعیت‌ها»، «اسلامی بودن» الگوی توسعه، آن را به اصولی قرآنی و اسلامی مقید و مشروط می‌سازد. به بعضی از این اصول فهرست‌وار اشاره می‌کنیم:

«هُوَ أَنشَاكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...» (هود: ۶۱) «همو که از زمین پدید آوردتان و در آن شما را به آبادانی واداشت.»

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ...» (اعراف: ۳۲) «بگو چه کس زینت خدایی و روزی‌های پاک را که خداوند برای بندگان خود پدید آورده حرام کرده است؟»

«أَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُوَ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ ثُمَّ يَهِيحُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا...» (حدید: ۲۰) «آگاه باشید که زندگانی دنیا، بی‌گمان، بازی و سرگرمی و زیب و زیور است و فخرفروشی به یکدیگر و افزون‌طلبی در اموال و اولاد، چونان بارانی که (نخست) آنچه می‌رویند برزیگران را به حیرت افکند، اما زان پس، آن همه پژمرده گردد و زردش بینی و سرانجام خرد و ریزریز شود.»

«تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَ لَا فَسَادًا وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (قصص: ۸۳) «آنک سرای آخرت؛ آن را مخصوص کسانی کرده‌ایم که در زمین نه در پی برتری‌جویی باشند و نه تبه‌کاری؛ و فرجام کار از آن پرهیزگاران است.»

«وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) «و خدا هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.»

«وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» (انفال: ۶۰) «در برابر آنان، هر چه در توان دارید، آماده سازید.»

با اسلامی بودن، ما الگوی توسعه را به «احکام اسلامی» و «واجبات و محرمات» مقید می‌سازیم. با اسلامی بودن بر اصولی مانند «نفی استثمار و استعمار انسان‌های دیگر» و «اصرار بر تأمین عدالت» و «نفی نگاه ابزاری و هوسبازانه به زن و تأکید بر تحکیم مبانی خانواده» و بسیاری از اصول و امور دیگر که جهان امروز بدان‌ها سخت محتاج است پای می‌افشیم.

مراد از ایرانی بودن

اما مراد ما از «ایرانی بودن» الگوی توسعه این است که الگوی توسعه با همه آرمان‌ها و اصول اسلامی خود باید «ایرانی» هم باشد، زیرا «ایران» ظرف این «توسعه» است و میان ظرف و مظهر باید تناسبی برقرار باشد. توضیح این مطلب این است که ایران کشوری است با تاریخی کهن و فرهنگی غنی و متنوع، صاحب سرزمینی پهناور و با ذخائر طبیعی گوناگون، قرار گرفته در موقعیتی سیاسی -

جغرافیایی حسّاس در جهان، دارای جمعیتی جوان و با استعداد و مردمی نوع‌دوست و وطن‌دوست و فداکار، با اقوام مختلف و خرده‌فرهنگ‌های گوناگون و اقلیم و محیط زیستی که باید دقیقاً در حفظ و سلامت آن کوشید. این‌ها و بسیاری دیگر از اموری که به ایران تعلق دارد همه و همه از اموری است که باید در الگوی توسعه در کنار وصف اسلامی بودن که به همه ملل مسلمان تعلق دارد، مورد توجه دقیق قرار گیرد. در ایرانی بودن الگوی توسعه ما به مزیت‌ها و تنگناها و تهدیدها و فرصت‌ها توجه خواهیم کرد و عامل زمان و شرایط امروز را در نظر خواهیم گرفت.

ما معتقدیم دنیای دور از خدا و دنیای بدون دین، دنیایی تهی از اخلاق و عدالت خواهد بود. خدا که کانون جوشان همه خوبی‌ها و ارزش‌هاست باید در زندگی فردی و اجتماعی ما حضور دائم داشته باشد. اما واقعیت‌هایی که در الگوی اسلامی ایرانی توسعه می‌یابد در نظر گرفته شود صرفاً به واقعیت‌های ایران و ایران امروز محدود و منحصر نمی‌شود. باید واقعیت‌های جهان امروز را هم در نظر گرفت. جهانی که در آن سلطه‌گران خود را به انواع سلاح‌های جنگی برای تسلط بر ملت‌های ضعیف مجهز کرده‌اند. ما نمی‌توانیم ضعیف باشیم و نباید ضعیف بمانیم. اگر از اصل اصیل قرآنی «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» که غیرت و حمیت ایرانی بودن نیز قویاً بر آن صحّه می‌گذارد غافل شویم و خود را برای دفاع از خود آماده نسازیم، مستکبران و سلطه‌گران ما را نابود خواهند کرد و دیگر ملت مستقلی باقی نخواهد ماند تا بخواهد بر پایه فرهنگ و هویت ملی خود برای خود الگوی مستقلی اختیار کند. بدیهی است این واقعیت تلخ که بر ما تحمیل شده است می‌باید در طرّاحی الگوی توسعه مورد توجه قرار گیرد. نکته دیگری که شایسته توجه است این است که وقتی اصطلاح «الگوی توسعه» به گوش می‌خورد صرفاً بهبود وضع مادی و رفاه اجتماعی به معنای معمول کلمه در نظر مجسم شود، بلکه توسعه باید توسعه در عبودیت خدا و توسعه در دینداری و اخلاق و توسعه در مهارت‌های انسانی و غرایز بهیمی و حیوانی نیز باشد. (حدادعادل، ۱۳۸۹)

استفاده از تجربه دیگران

اعتقاد به الگوی اسلامی ایرانی توسعه، به معنای آن نیست که چشم بر تجربه سایر ملت‌ها، هرچند در جهان بینی و فرهنگ با آن‌ها اختلاف داشته باشیم، ببندیم و از راه‌حل‌های عقلایی و دستاوردهای علمی و فناوری‌های نوین و تجربه‌های مدیریتی دیگران در حلّ مشکلات خود استفاده نکنیم. استقلال در انتخاب الگو به معنای ستیزه با عقل و منطق و فطرت مشترک انسانی نیست. ما به همان اندازه که می‌باید به ضعف‌ها و کجروی‌ها و ناکامی‌های دیگران توجه داشته باشیم باید به قوت‌ها و موفقیت‌های آن‌ها نیز توجه کنیم و البته در همه حال، معیار و ملاک ما

تشخیص قوت و ضعف دیگران، باید معیار و ملاک خودمان باشد. ما معتقدیم دنیای دور از خدا و دنیای بدون دین، دنیایی تهی از اخلاق و عدالت خواهد بود. خدا که کانون جوشان همه خوبی‌ها و ارزش‌هاست باید در زندگی فردی و اجتماعی ما حضور دائم داشته باشد؛ چنان‌که خدا به پامبر خود می‌فرماید: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام: ۶۲) «بگو نمازم، عباداتم، زندگی‌ام، مرگم، (همه) از آن خداوندی است که پروردگار جهانیان است.» و حافظ، که حافظ قرآن بوده، چه زیبا سروده که:

آدمی در عالم خاکی نمی‌آید به دست عالمی دیگر بیاید ساخت وز نو آدمی
و کوتاه سخن این است که برای ساختن آدم نو عالم نو، ما به الگویی نو در توسعه نیازمندیم.
(حداد عادل، ۱۳۸۹)

تبیین اجزای چهارگانه عبارت «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» از دیدگاه مقام معظم

رهبری

رهبر انقلاب اسلامی در تبیین اجزای چهارگانه تعبیر «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» کلمه الگو را «نقشه جامع» معنا کردند و افزودند: بدون نقشه جامع، همچون برخی مسائل فرهنگی یا اقتصادی ۳۰ سال گذشته، دچار حرکت‌های گاه متناقض خواهیم شد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تشریح علت انتخاب کلمه اسلامی نیز بر ضرورت تکیه اهداف، ارزش‌ها و شیوه‌های این الگو بر معارف و مبانی اسلام اشاره کردند و افزودند: جامعه و حکومت ما، اسلامی است و ما مفتخریم که می‌توانیم با استفاده از منابع اسلام، الگوی پیشرفت خود را تدوین کنیم.

ایشان در تبیین علت انتخاب کلمه ایرانی در تعبیر «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، به مسائلی نظیر ضرورت در نظر گرفتن شرایط تاریخی - جغرافیایی - فرهنگی - اقتصادی و اجتماعی ایران در این الگو اشاره کردند و افزودند: علاوه بر این مسائل، طراحان این الگو نیز متفکران ایرانی هستند و این الگو در واقع تجلی تلاش اندیشمندان این سرزمین برای ترسیم آینده کشور است.

رهبر انقلاب اسلامی همچنین با اشاره به انتخاب کلمه «پیشرفت» به جای «توسعه» تأکید کردند: کلمه توسعه، یک اصطلاح متعارف جهانی، با بار معنایی و ارزشی و الزامات خاص خود است که ما با آن‌ها موافق نیستیم، بنابراین از کلمه «پیشرفت» استفاده شد ضمن اینکه وام‌نگرفتن از مفاهیم دیگران، در طول انقلاب اسلامی سابقه داشته است.

ایشان ترسیم وضع مطلوب و مشخص کردن چگونگی رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب را از ضرورت‌های روند ترسیم و تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت خواندند و افزودند: استفاده از دو مفهوم «اسلامی و ایرانی»، به هیچ وجه به معنای استفاده نکردن از دستاوردهای دیگران و تجارب

صحیح آنان نیست و ما در این راه، با چشمان باز و انتخاب گر، از هر علم و معرفت درست استفاده می‌کنیم.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به لزوم مطرح شدن و پاسخگویی به همه سؤالات در باب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت افزودند: یک سؤال این است که چرا این مقطع زمانی برای تدوین این الگو انتخاب شده است.

ایشان در پاسخ این سؤال خاطرنشان کردند: تجربه‌های متراکم و معرفت‌های انباشته شده در سی سال گذشته نشان می‌دهد که مقطع فعلی، زمان مناسبی برای آغاز این راه است. رهبر انقلاب اسلامی افزودند: برخی نیز معتقدند توانایی فکری برای ایجاد این الگو، در کشور وجود ندارد اما ظرفیت‌های بسیار خوب موجود و ظرفیت‌های فراوان بالقوه اثبات می‌کند که متفکران و اندیشه ورزان ایرانی توانایی تدوین این الگو را دارا هستند و این حرکت، حتماً به پیش خواهد رفت.

تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

با توجه به ظرفیت‌های علمی و نیروی انسانی جوان و پویای موجود در کشور عزیزمان ایران تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در کوتاه مدت، تنها اقدام عملی ممکن و لازم است. اما بسنده کردن به این الگو و عدم برنامه ریزی میان مدت و بلندمدت برای دستیابی روشمند به الگوی کامل و خالص اسلامی ایرانی پیشرفت اشتباه است. بر این اساس الگوی پیشرفت یک الگوی تئوری است؛ یعنی مجموعه نظام مندی از مفاهیم، اصول، موضوعات، قوانین و راهبردها است که در ساختاری منطقی وضعیت موجود را تحلیل، وضعیت مطلوب را تبیین و راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب را ارائه دهد. این الگو در بخش تحلیل وضعیت موجود یک الگوی توصیفی و در بخش ارائه وضعیت مطلوب و راهبردها یک الگوی هنجاری است.

الگوهای پیشرفت لاقط در یکی از این سه امر (تحلیل وضعیت موجود، تبیین وضعیت مطلوب، راهبردهای تغییر) با یکدیگر اختلاف دارند و یکی از مناسبات اصلی اختلاف نیز جهان بینی و ارزش‌های حاکم بر این الگوها است. اگر الگو مبتنی بر جهان بینی و اخلاق و حقوق اسلامی باشد می‌توان آن را به اسلامی بودن متصف کرد. بنابراین، الگوی اسلامی پیشرفت الگویی است مبتنی بر مبانی معرفت شناختی و هستی شناختی اسلامی و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی. این الگو ثابت و جهان شمول است و قابل تطبیق بر شرایط زمانی و مکانی گوناگون می‌باشد. اتصاف الگوی اسلامی پیشرفت به ایرانی بودن به جهت تطبیق این الگو بر شرایط و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران است. به همین جهت ممکن است این الگو برای سایر کشورهای اسلامی مناسب



نباشد. این بحث (وجه توصیف الگوی پیشرفت به اسلامی و ایرانی) با بحث ثابت و متغیر در شریعت اسلامی ارتباط وثیقی دارد. بینش‌ها و چارچوب‌های اخلاقی و حقوقی اسلامی جزو ثابتات است. با این وجود این ثابتات قابل تطبیق بر شرایط مختلف است. نتیجه آنکه: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به مجموعه نظام مندی از مفاهیم، اصول موضوعه، قوانین و راهبردها اطلاق می‌شود که در ساختاری منطقی و مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلام و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامیبه تحلیل وضعیت موجود ایران و تبیین وضعیت مطلوب آن و ارائه راهبردها برای تغییر وضعیت موجود می‌پردازد. در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، هدف‌ها مشخص می‌شود اما راهبردها ممکن است به تناسب شرایط زمان دچار تغییر و اصلاح شوند که این مسئله، نشان دهنده انعطاف‌پذیری الگو است (خامنه‌ای، ۱۳۸۹).

محتوای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

با تأمل در باب محتوای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و نیز در راستای سخنان رهبر معظم انقلاب در این زمینه باید جایگاه مسائلی چون مسئله محتوای اسلامی (توحید)، مسئله جایگاه انسان (مردم‌سالاری)، مسئله حکومت و نهایتاً مسائل اقتصادی در این الگو تبیین شود. در ادامه این تحقیق ما به بیانات مقام معظم رهبری در رابطه با هر یک از این مسائل می‌پردازیم:

مسئله محتوای اسلامی

ایشان توجه به مسئله توحید را در این الگو دارای ضرورت کامل دانستند و افزودند: اگر توحید، اعتقاد به خدا و التزام به این اعتقاد، به بدنه زندگی بشر بسط داده شود، مشکلات جامعه بشری حل و راه پیشرفت حقیقی گشوده خواهد شد.

رهبر انقلاب اسلامی، توجه به معاد و محاسبه اخروی را در الگوی پیشرفت، موجب منطقی شدن تحمل همه دشواری‌ها و ترویج ایثار و از خودگذشتگی برشمردند و خاطرنشان کردند: این مفهوم اساسی و سرنوشت‌ساز، باید در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، معنا یابد.

مسئله جایگاه انسان

ایشان، محور بودن انسان «در اسلام و در فلسفه‌های مادی غرب» را کاملاً متفاوت از یکدیگر خواندند و خاطرنشان کردند: هدف نهایی اسلام، رستگاری انسان است و در این نگاه همه مسائل از جمله عدالت، رفاه، امنیت و عبادت مقدمه یا اهداف میانی هستند و هدف اصلی این است که انسان سعادت‌مند شود.



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، انسان در نگاه اسلام را موجودی مختار، مکلف و در معرض هدایت الهی دانستند و با تأکید بر تجلی این نگاه در الگوی پیشرفت خاطر نشان کردند: در این نگاه، مردم سالاری علاوه بر اینکه حق مردم است تکلیف آن‌ها نیز می‌شود و کسی نمی‌تواند بگوید صلاح یا فساد جامعه به من مربوط نیست

مسئله حکومت

ایشان در همین زمینه افزودند: صلاحیت‌های فردی در اسلام به گونه‌ای مهم است که هرکس می‌خواهد مسئولیت و مدیریت بپذیرد باید صلاحیت‌های لازم را در خود بوجود آورد وگرنه با پذیرش مسئولیت، عمل نامشروعی انجام داده است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین نکات دیگری از نگاه اسلام به حکومت، به نفی استعلا، اشاره کردند و افزودند: در اسلام کسی که اهل استعلا و برتری طلبی است و یا همه چیز را برای خود می‌خواهد حق ندارد قدرت را قبول کند و مردم نیز حق ندارند چنین شخصی را انتخاب کنند که این نگاه سعادت بخش، باید در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، جاری شود.

مسائل اقتصادی

رهبر انقلاب اسلامی توجه به اقتصاد را نیز در الگوی پیشرفت، ضروری خواندند و افزودند: در الگوی پیشرفتی که با همفکری و تلاش نخبگان تدوین خواهد شد، عدالت به عنوان یکی از ارکان اصلی لحاظ شود چرا که در اسلام، عدالت، معیار حق و باطل و ملاک مشروعیت یا عدم مشروعیت حکومت‌ها است و خاطر نشان کردند: اسلام برای ثروت، اهمیت قائل است و تولید ثروت را مطلوب می‌داند به شرط اینکه از آن، برای ایجاد فساد و سلطه و اسراف استفاده نشود.

تبیین جایگاه دانشجویان و طلاب علوم دینی در الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت

با توجه به موارد ذکر شده اسلامی سازی علوم انسانی و تأسیس علوم انسانی اسلامی بمنظور تبیین جایگاه دانشجویان و طلاب علوم دینی در الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت ضروری بنظر می‌رسد به همین منظور و در یک نگاه کلان و با رد عقائد پوزیتیویست‌ها، علوم انسانی نیز سه وظیفه را بر عهده دارد: (۱) تبیین وضعیت مطلوب (۲) تحلیل وضعیت موجود (۳) ارائه راهبردهای تغییری. علوم انسانی در بخش اثباتی به وظیفه دوم و در بخش هنجاری یا دستوری به وظیفه اول و سوم می‌پردازند. علوم انسانی موجود این سه وظیفه را از طریق تئوری‌هایی انجام می‌دهند که غالباً مبتنی بر جهان بینی و ارزش‌های غیراسلامی است. اسلامی سازی علوم انسانی موجود به مفهوم تخلیه این تئوری‌ها از بینش‌ها و ارزش‌های غیراسلامی و وارد کردن بینش‌ها و ارزش‌های اسلامی در آن‌ها است. به عبارت دیگر در اسلامی سازی این علوم روش‌ها، ابزارها و قالب‌های تئوری‌های مزبور حفظ می‌شود ولی



محتوای آن‌ها از مفاهیم و مبانی و احکام غیراسلامی پاکسازی شده و به دلیل اسلامی جایگزین آن می‌گردد. مثال روشن این امر تئوری‌های بانکداری است که با حذف قرض ربوی و بهره و ارائه جایگزین اسلامی، اسلامیزه می‌شود. لازم به ذکر است تأسیس علوم انسانی اسلامی با اسلامی سازی علوم انسانی موجود متفاوت است. در تأسیس علوم انسانی اسلامی روش‌ها و ابزارها و قالب‌های تئوری‌های علوم انسانی موجود نیز اسلامی می‌شود. به عبارت دیگر در تأسیس علوم انسانی اسلامی دانشجویان و طلاب علوم دینی به دنبال تولید علومی هستند که سه وظیفه فوق را مبتنی بر مبانی معرفت شناختی و هستی شناختی اسلامی و در چارچوب اخلاق و حقوق اسلامی انجام دهند و محصور در چهارچوب‌ها و روش‌ها و ابزارهای علوم انسانی موجود نمی‌شوند. با وجود این اختلاف بین اسلامی سازی علوم انسانی موجود و تأسیس علوم انسانی اسلامی، به نظر می‌رسد در مرحله عملی، اولی مقدمه تحقق دومی است و اسلامی سازی علوم انسانی موجود معبری برای دستیابی به توانایی علمی جهت تأسیس علوم انسانی اسلامی ترویج فرهنگ اسلامی در بین جوانان است.

راهبردهای تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

در ادامه با توجه به مطالب پیشین، سه راهبرد کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت جهت تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت همراه با اسلامی سازی علوم انسانی را پیشنهاد می‌کنم. این سه راهبرد در طول هم هستند و نتیجه هر راهبرد یک الگوی پیشرفت است؛ با این تفاوت که وجه اسلامی الگویی که حاصل راهبرد میان مدت است بیشتر و عمیق تر از الگوی منتج از راهبرد کوتاه مدت، و وجه اسلامیت الگوی حاصل از راهبرد بلندمدت بیشتر و عمیق تر از الگوی منتج از راهبرد میان مدت و راهبرد کوتاه مدت است. بیش از سی سال از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران می‌گذرد. در این مدت گرچه فعالیت برنامه ریزی شده و گسترده ای برای اسلامی سازی علوم انسانی توسط نظام انجام نشده ولی اقدامات شایسته ای توسط برخی مراجع و شخصیت‌های علمی حوزه در این جهت انجام شده است. برخی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی تأسیس شده‌اند که بیش از دو دهه به آموزش و پژوهش در موضوعات علوم انسانی اسلامی پرداخته‌اند. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشگاه مفید، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، نمونه‌های بارز این حرکت آگاهانه است. حاصل این تلاش تربیت نیروهای دارای فضل حوزوی و تحصیلات دانشگاهی در علوم انسانی است که توانایی پژوهش در جهت اسلامی سازی این علوم را دارند. همچنین در این مراکز، تحقیقات متعددی درباره فلسفه علوم انسانی و راه‌های اسلامی سازی علوم انسانی و موضوعات علوم انسانی اسلامی صورت گرفته است. در دو دهه اخیر، تنها در رشته اقتصاد اسلامی در قم بیش از صد کتاب و بیش از ۲۵۰ مقاله علمی در موضوعات نظام‌های مالی اسلامی،



توسعه اسلامی، نظام اقتصادی اسلام، سیاست‌های اقتصادی با نگرش اسلامی، فقه الاقتصاد، اقتصاد در قرآن و سنت، اقتصاد خرد اسلامی، اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی و فلسفه و روش شناسی اقتصاد اسلامی منتشر شده است. در سایر رشته‌های علوم انسانی نیز کمابیش چنین است. در حال حاضر در حوزه علمیه ۱۱ انجمن علمی در رشته‌های علوم انسانی فعالیت می‌کنند و بیش از ده انجمن نیز در حال تأسیس هستند. اعضای این انجمن‌ها تحصیل کرده حوزه و دانشگاه و محققینی هستند که برخی از آنان دارای تألیفات شایسته در موضوع تخصص خود می‌باشند.

راهبرد کوتاه مدت

در کوتاه مدت می‌توان از ذخایر علمی که تا کنون در کشور فراهم گشته استفاده کرد و با تجمیع پژوهشگران و پژوهش‌های آنان در زمینه علوم انسانی اسلامی به اسلامی سازی علوم انسانی به مفهوم پیش گفته و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پرداخت. تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت براساس ظرفیت علمی موجود در کوتاه مدت، تنها اقدام عملی ممکن و لازم است. اما بسنده کردن به این الگو و عدم برنامه ریزی میان مدت و بلندمدت برای دستیابی روشمند به الگوی کامل و خالص اسلامی ایرانی پیشرفت اشتباه است.

راهبرد میان مدت

تعریف و برگزاری دوره‌های دکترا و فوق دکترا پژوهشی در راهبرد میان مدت برای تعمیق اسلامی سازی علوم انسانی موجود برنامه ریزی می‌شود. در این راهبرد پس از آسیب شناسی پژوهش‌های موجود و تشخیص موضوعاتی که پژوهش در آن‌ها ضعیف یا نادر است، به تعریف و برگزاری دوره‌های دکترا و فوق دکترا پژوهشی در آن موضوعات خواهیم پرداخت. بدین ترتیب به تدریج حجم پژوهش در موضوعات مزبور متراکم گشته و امکان تعمیق اسلامی سازی علوم انسانی از طریق بازسازی عمیق تر و گسترده تر تئوری‌های علوم انسانی موجود فراهم می‌شود. براساس تئوری‌های بازسازی شده وضعیت مطلوب ترسیم گشته، وضعیت موجود تحلیل و راهبردهای تغییر پیشنهاد می‌گردند. بدین ترتیب به الگویی از پیشرفت دست می‌یابیم که وجه اسلامیت آن قوی تر و عمیق تر است، گرچه کامل نیست. در فرآیند تحقق این راهبرد ادبیات علمی مرتبط با الگوی پیشرفت اسلامی غنی تر گشته، نیروهایی که توانایی تولید نظریات و تئوری‌های خالص اسلامی و اجرای آن‌ها را دارند، تربیت شده و زمینه‌های لازم برای ایجاد رشته‌های علوم انسانی اسلامی مرتبط با الگوی پیشرفت و نیز زمینه‌های لازم برای تدوین و اجرای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت منتج از این راهبرد، بیش از پیش فراهم می‌شود.

راهبرد بلندمدت



تشکیل گروه‌های پژوهشی فلسفه علوم انسانی اسلامی در راهبرد بلندمدت برای تأسیس علوم انسانی اسلامی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت براساس این علوم برنامه ریزی می‌شود. در این راهبرد با شناسایی محققان کلیدی در هر رشته به تشکیل گروه‌های پژوهشی در فلسفه علم مضاف به هر یک از رشته‌های علوم انسانی و در کنار آن تشکیل گروه پژوهشی فلسفه علم (که مرکب از برترین محققان هر رشته و برترین محققان فلسفه علم است) پرداخته و از طریق تحقیقات بین رشته‌ای روشمند و هماهنگ به پرسش‌های اساسی فلسفه علم به صورت کلی و به صورت رشته‌ای جواب‌های یکسان و مکتب گونه خواهیم داد. پس از آن قادر خواهیم بود علوم انسانی اسلامی را براساس مبانی و ارزش‌های اسلامی تأسیس نماییم. بدین ترتیب در طول برنامه بلند مدت به تعمیق وجه اسلامی تئوری‌ها در علوم انسانی و به موازات آن تعمیق وجه اسلامیت الگوی ایرانی پیشرفت پرداخته و به تدریج به نتیجه مطلوب دست می‌یابیم. افزون بر این نیروهای علمی و اجرایی لازم برای تحقق الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت تربیت می‌شوند.

در پایان، ذکر این نکته لازم است که تدوین برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت و بلندمدت براساس این راهبردها و نیز اجرای آن‌ها بدون مشارکت همه نیروهای نخبه علمی حوزوی و دانشگاهی به ویژه آنان که صلاحیت‌های علمی حوزوی و دانشگاهی را در خود جمع نموده‌اند، امکان پذیر نیست. لذا لازم است نهادی متکفل این امر شود که توانایی تجمیع همه ذخایر علمی مفید و تقسیم منطقی مسئولیت‌ها را داشته باشد (پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله خامنه‌ای).

نتیجه گیری

هویت انسانی، مقوله‌ای اجتماعی است. همه انسان‌ها به هنگام تولد، فارغ از اینکه در کجای زمین به دنیا می‌آیند و یا از چه تعلق قومی و قبیله‌ای برخوردارند، دارای ویژگی‌های یکسان نوع انسانی، در میان انواع موجودات زنده هستند و هیچ گونه تفاوت ماهوی با یکدیگر ندارند؛ بنابراین، مقوله هویت انسانی که در دوران رشد و تکوین انسان در جامعه شکل می‌گیرد، کاملاً اجتماعی و جامعه شناسانه است و ربطی به خون و نژاد و رنگ پوست و ... ندارد. بنابر این با توجه به ظرفیت‌های علمی و نیروی انسانی جوان و پویای موجود در کشور عزیزمان ایران و با توجه به هجوم فرهنگ‌های بیگانه غربی تدوین و ارائه یک الگوی اسلامی ایرانی ضروری است فلذا تنها اقدام عملی ممکن و لازم، تدوین چنین الگویی در کوتاه مدت است. اما باید توجه داشت که نباید به این برنامه کوتاه‌مدت اکتفا نمود و باید نسبت به برنامه‌ریزی میان مدت و بلندمدت برای دستیابی به الگوی کامل و خالص اسلامی ایرانی پیشرفت مبادرت ورزید. این الگو باید مجموعه نظام مندی از مفاهیم، اصول، موضوعات، قوانین و راهبردها باشد تا در ساختاری منطقی، وضعیت موجود را تحلیل، وضعیت مطلوب را تبیین و راهبرد

حرکت از وضعیت موجود به مطلوب را ارائه دهد. بنابراین الگوی اسلامی پیشرفت الگویی است مبتنی بر مبانی معرفت شناختی و هستی شناختی اسلامی و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی. این الگو ثابت و جهان شمول است و قابل تطبیق بر شرایط زمانی و مکانی گوناگون می‌باشد. اتصاف الگوی اسلامی پیشرفت به ایرانی بودن به جهت تطبیق این الگو بر شرایط و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران است. نتیجه آنکه: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به مجموعه نظام مندی از مفاهیم، اصول موضوعه، قوانین و راهبردها اطلاق می‌شود که در ساختاری منطقی و مبتنی بر مبانی معرفت شناختی و هستی شناختی اسلام و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی به تحلیل وضعیت موجود ایران و تبیین وضعیت مطلوب آن و ارائه راهبردها برای تغییر وضعیت موجود می‌پردازد. در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، هدفها مشخص می‌شود اما راهبردها ممکن است به تناسب شرایط زمان دچار تغییر و اصلاح شوند که این مسئله، نشان دهنده انعطاف پذیری الگو است که با توجه به موارد ذکر شده اسلامی سازی علوم انسانی و تأسیس علوم انسانی اسلامی بمنظور تبیین جایگاه دانشجویان و طلاب علوم دینی در الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت ضروری بنظر می‌رسد چراکه این قشر از جامعه بعنوان مغز متفکر و موتور حرکت این الگو محسوب می‌شوند یعنی در مراحل سه گانه برنامه ریزی‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت این الگو دارای جایگاه خاصی است بدین صورت که در برنامه‌های کوتاه مدت می‌توان از ذخایر علمی که تا کنون توسط دانشجویان و طلاب علوم دینی در کشور فراهم گشته استفاده کرد و با تجمیع پژوهشگران و پژوهش‌های آنان درزمینه علوم انسانی اسلامی به اسلامی سازی علوم انسانی به مفهوم پیش گفته و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پرداخت و در برنامه‌های میان مدت با تعریف و برگزاری دوره‌های دکترا و فوق دکترای پژوهشی برای دانشجویان و طلاب علوم دینی برای تعمیق اسلامی سازی علوم انسانی موجود در برنامه کوتاه مدت و آسیب شناسی پژوهش‌های موجود و تشخیص موضوعاتی که پژوهش در آنها ضعیف یا نادر است، و نهایتاً در برنامه‌های بلند مدت تشکیل گروه‌های پژوهشی فلسفه علوم انسانی از بین دانشجویان و طلاب علوم دینی، در این راهبرد با شناسایی محققان کلیدی در هر رشته به تشکیل گروه‌های پژوهشی در آن زمینه اقدام شود. پس از آن قادر خواهیم بود علوم انسانی اسلامی را براساس مبانی و ارزش‌های اسلامی تأسیس نماییم. بدین ترتیب در طول برنامه بلند مدت به تعمیق وجه اسلامی تئوری‌ها در علوم انسانی و به موازات آن تعمیق وجه اسلامیت الگوی ایرانی پیشرفت پرداخته و به تدریج به نتیجه مطلوب دست می‌یابیم. افزون بر این نیروهای علمی و اجرایی لازم برای تحقق الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت تربیت می‌شوند.

در پایان، ذکر این نکته لازم است که تدوین برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت و بلندمدت براساس این راهبردها و نیز اجرای آن‌ها بدون مشارکت همه نیروهای نخبه علمی حوزوی و دانشگاهی به ویژه آنان که صلاحیت‌های علمی حوزوی و دانشگاهی را در خود جمع نموده‌اند، امکان پذیر نیست. لذا لازم است نهادی متکفل این امر شود که توانایی تجمیع همه ذخایر علمی مفید و تقسیم منطقی مسئولیت‌ها را داشته باشد.

سخن آخر

اما واقعیت‌هایی که باید در الگوی اسلامی ایرانی توسعه در نظر گرفته شود صرفاً به واقعیت‌های ایران و ایران امروز محدود و منحصر نمی‌شود. باید واقعیت‌های جهان امروز را هم در نظر گرفت. جهانی که در آن سلطه‌گران خود را به انواع سلاح‌های جنگی برای تسلط بر ملت‌های ضعیف مجهز کرده‌اند. ما نمی‌توانیم ضعیف باشیم و نباید ضعیف بمانیم. اگر از اصل اصیل قرآنی «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» که غیرت و حمیت ایرانی بودن نیز قویاً بر آن صحه می‌گذارد غافل شویم و خود را برای دفاع از خود آماده نسازیم، مستکبران و سلطه‌گران ما را نابود خواهند کرد و دیگر ملت مستقلی باقی نخواهد ماند تا بخواهد بر پایه فرهنگ و هویت ملی خود برای خود الگوی مستقلاً اختیار کند. بدیهی است این واقعیت تلخ که بر ما تحمیل شده است می‌باید در طراحی الگوی توسعه مورد توجه قرار گیرد که همه این‌ها نیازمند همکاری و همدلی همه جانبه نیروهای نخبه علمی حوزوی و دانشگاهی در طراحی یک الگوی اسلامی ایرانی کامل و متناسب با جامعه کنونی و نیز بستر سازی و اجرای آن در کشور عزیزمان ایران است.

منابع

۱. قرآن مجید
۲. ابراهیمی، قربانعلی. بهنوئی‌گدنه، عباس (۱۳۸۷). بررسی جامعه شناختی رابطه سرمایه‌ی فرهنگی و هویت‌های اجتماعی فردی و جمعی در بین جوانان (مطالعه موردی شهر بابلسر)، مجله تخصصی جامعه‌شناسی، سال اول، پیش شماره سوم
۳. آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۷). مقیاس سنجش دینداری، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای (www.khamenei.ir).
۵. جی‌دان، رابرت (۱۳۸۵). نقد اجتماعی پست مدرنیته بحران هویت، ترجمه صالح نجفی، تهران، شیرازه.

۶. حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۹). تأملی در معنای الگوی اسلامی ایرانی توسعه، نشست «اندیشه‌های راهبردی» با موضوع «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» با حضور رهبر معظم انقلاب.
۷. حسنی، محمدحسن (۱۳۷۸). نوسازی جامعه از دیدگاه امام خمینی قدس سره، نشر عروج.
۸. خسروی، آرش (۱۳۸۹). مفهوم شناسی هویت مجازی در فضای سایبر، فصلنامه ره آورد نور. پاییز ۸۹، ش ۳۲.
۹. راسخ، کرامت آ... (۱۳۸۶). ترجمه مبانی جامعه شناسی جوانان، نشر نی، چاپ سوم.
۱۰. شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۸). تبارشناسی تجربه دینی در مطالعات دینداری، تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۶.
۱۱. شرفی، محمدرضا (۱۳۸۰). جوان و بحران هویت، انتشارات سروش.
۱۲. عبداللهی، محمد و عثمان حسین‌بر (۱۳۸۱). گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران، مجله جامع شناسی ایران، دوره چهارم، ش ۴: ۱۰۱-۱۲۶.
۱۳. عبداللهی، محمد (۱۳۷۴). هویت جمعی و دینامیسم و مکانیزم تحول آن در ایران، نامه انجمن جامع شناسی ایران: ۶۳-۸۳.
۱۴. غفاری، مصطفی (۱۳۹۰). بیداری اسلامی در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) چالش هویت اسلامی و ساختار سیاسی در خاورمیانه،
۱۵. قربانی، زین العابدین (۱۳۶۸). علل پیشرفت اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۶. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۶۷). معارف قرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۹). مفهوم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، اولین نشست اندیشه‌های راهبردی در محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی.

۲۲. Jonathan D. Wallace (۱۹۹۹) Nameless In Cyberspace Anonymity On The Internet.

